



مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)

شهرستان شاهین دژ

عنوان :

دنیا در نهج البلاغه

استاد مربوطه:

سرکار خانم لیلا الهوردی زاده

پژوهشگر:

لیلا ابراهیمیان

اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

چکیده

دنیا در نهج البلاغه زیاد مورد نکوهش قرار گرفته، به گونه‌ای که ممکن است چنین برداشت شود که دنیا مایه دردسر و پدیده زشتی است که موجب فریب و گمراهی انسان می‌شود. در این مقاله سعی بر آن است که به تبیین برخی توصیفات دنیا از نظر امام علی علیه‌السلام و همچنین ستایش و مدح دنیا و مذمت آن از نظر امام علی علیه‌السلام بپردازد. در جامعه کنونی اغلب مردم شیفته دنیا شده و به آن روی آورده‌اند و از یاد خدا غافل شده‌اند و فریفته زرق و برق دنیا شدند و به دلیل اهمیت زیاد زندگی دنیوی و نقش آن در سرنوشت ابدی انسان در جهان آخرت، در این زمینه تحقیق جامع از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام داشته است.

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و روش تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

حضرت علی علیه‌السلام در کنار نکوهش دنیا، گاه آن را تحسین کرده‌اند، در واقع این دلبستگی‌ها و تعلقات روحی به دنیا است که پیامدهای ناگوار به دنبال دارد و همین‌ها مورد مذمت قرار گرفته است.

کلیدواژه: دنیا، مذمت دنیا، مدح دنیا، اوصاف دنیا

مقدمه

دنیا عبارت از دو حالت از حالت‌های قلب است حالتی که نزدیکتر است دنیا نامیده می‌شود. یعنی میل به تمام چیزهایی که قبل از مرگ است مربوط به دنیاست. پس هر چیزی که انسان در دنیا به آن مایل است و بهره نصیب و لذتش مربوط به قبل از مرگ است، دنیای انسان است.

این مسئله در علوم دینی قرار دارد و از جنبه‌ی اخلاقی و اجتماعی و اعتقادی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، در جامعه کنونی اغلب مردم شیفته دنیا شده و به آن روی آورده‌اند و از یاد خدا غافل شده‌اند و فریفته رزق و برق دنیا شدند و به دلیل اهمیت زیاد زندگی دنیوی و نقش آن در سرنوشت ابدی انسان در جهان آخرت به نوبه‌ی خود لازم دانستم در این زمینه تحقیق جامع از دیدگاه حضرت علی علیه‌السلام داشته باشم و سوال این است که حضرت علی علیه‌السلام دنیا را در نهج‌البلاغه چگونه توصیف نموده‌اند.

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری و روش تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

در رابطه با این موضوع کتب زیادی نوشته شده، از جمله کتاب غفرالحکم و دررالکلم آمدی، به تألیف سید هاشم رسولی محلاتی جلد اول شامل بیش از پنج هزار از کلمات قصار امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام و کتاب تفسیر موضوعی نهج‌البلاغه به تألیف مصطفی دلشاد تهرانی و کتاب پیام امیرالمؤمنین به تألیف آیت الله مکارم شیرازی شامل شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه و کتاب نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین به ترجمه‌ی دکتر سید جعفر شهیدی، کمک شایانی در تهیه این مقاله به من کرده‌اند.

در کتاب سرای گذر از عزیزه فروردین، ناشر مرکز پژوهش‌های اسلامی چاپ زلال کوثر، نوبت چاپ اول ۱۳۸۰، به دنیادوستی و دنیاگرایی و ستایش و نکوهش دنیا و همچنین چگونگی برخورد انسان با دنیا از منظر امام علی علیه‌السلام پرداخته شده است.

کتاب دنیا در نهج‌البلاغه، تألیف سید مهدی شمس الدین چاپ دوم پاییز ۱۳۶۶، به بیان صفات دنیا و مذمت دنیا و عبرت گرفتن از دنیا و بی‌اعتنایی امام علی علیه‌السلام به دنیا پرداخته است.

در این مقاله سعی بر آن است که به تبیین برخی از توصیفات دنیا از نظر امام علی علیه السلام و همچنین ستایش و مدح دنیا و مذمت آن از نظر امام علی علیه السلام بپردازد.

مفهوم شناسی دنیا

دنیا مونث «ادنی» است. اگر آن را از «دنی» و «دنائت» بدانیم به معنی پست‌تر و اگر از «دنو» به حساب آوریم به معنی نزدیک‌تر است و به معنای کمتر هم آمده است. و آن پیوسته صف است و احتیاج به موصوف دارد مثل حیات دنیا، عذاب دنیا، سعادت دنیا^۱. و زندگی دنیا را دنیا می‌گوییم یا از این جهت که نسبت به زندگی آخرت، پست‌تر و ناچیزتر است و یا از آن رو که این زندگی از زندگی آخرت به ما نزدیک‌تر است.

کلمه دنیا بنابر تعداد المعجم المهرس صد و پانزده بار در قرآن مجید تکرار است و تمام آن‌ها صفت زندگی کنونی است مگر در چهار محل که صفت آسمان و کنار بیابان آمده است.^۲

دنیا زندگانی حاضر، جهانی که در آن هستیم، نفیض آخرت، کره زمین، جهان گیتی، کهن بوم و کهن ذرهم گفته‌اند.^۳

شاید حکمت این که دنیا را به معنی پست گرفته‌اند، این باشد که انسان را به لجن می‌کشد و به رسوب می‌افکند، چنین انسان‌هایی به زمین چسبیده و خشک و سفت و سخت‌اند. بی جنبش و خیزش و جهش، انبانی هستند از شکم و کیسه‌ای از شهوت. سامریانی طلاخوار و طلا پرست، و گوساله پرستانی، سکه باز و این‌ها ایند طرفداران دنیای پست.

^۱. قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۹۷ و ۳۶۲

^۲. عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۶۲۶

^۳. عمید، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۹۷۲

معنای دیگر دنیا، نزدیک است، یعنی دم دست است، دست‌ها آن را لمس می‌کند و دیدگان نزدیک‌بین آن را می‌بینند؛ چشم‌هایی که از دیدن آفاق دوردست حیات و پشت پرده‌ی دنیای سود و پروازگاه ارزش‌های والای انسانی، خود را محروم کرده‌اند.^۱

علامه مجلسی در این باره می‌گوید: «بدان که دنیا بر معانی گوناگونی اطلاق می‌شود. یکی از آن معانی، زندگی دنیا است. اگر کسی زندگانی دنیا و بقا و عمر را برای منظوره‌ای ناروا بخواهد، این ناپسند و مذموم است و کسی که بقا را برای طاعات و عبادات و کسب کمال و تحصیل سعادت بخواهد، پسندیده و ممدوح و عین آخرت است. به همین جهت، انبیا و اوصیا، طول عمر و بقای در دنیا را می‌خواستند».^۲

اوصاف دنیا

یکی از محققان نقل می‌فرماید که دنیا و آخرت تو عبارت است از دو حالت از حالات قلب تو: آنچه نزدیک است و قبل مردن، نامش دنیاست. و آنچه بعد از این می‌آید و پس از مردن است، نامش آخرت است. پس آنچه از برای تو در آن خط نصیب و شهوت و لذت است قبل از موت، آن دنیاست در حق تو.^۳

علامه مجلسی در باره دنیا گفته‌اند:

هر آنچه انسان را از خدا باز دارد، دنیاست خواه مال و فرزند باشد خواه مقام و تدریس و تألیف کتاب و...^۴

حضرت علی علیه‌السلام دنیا را چنین توصیف می‌کنند:

^۱. حجازی، ۱۳۷۴، ص ۶۶

^۲. مجلسی، ص ۲۵۶ - ۲۵۵

^۳. مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۲۶۴

^۴. مجلسی، ص ۲۵۶ - ۲۵۵

رحمت من (بهشت) است روز قیامت هزار حوری را که با دست خود خلق کرده‌ام به ازدواج تو در می‌آورم و در جشن عروسی چهار هزار سال پذیرایی می‌کنم که هر روزش به اندازه‌ی عمر دنیاست و منادیم ندا دهد: کجایند زاهدان در دنیا که در عروسی زاهد عیسی بن مریم شرکت کنند.^۱

دَارُ بِالْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ؛ لَا تَدُومُ أَحْوَالُهَا وَ لَا يَسْلَمُ نَزَالُهَا؛ أَحْوَالٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ تَارَاتٌ مُتَصَرِّفَةٌ؛ الْعَيْشُ فِيهَا مَذْمُومٌ وَ الْأَمَانُ مِنْهَا مَعْدُومٌ؛ وَ إِنَّمَا أَهْلُهَا فِيهَا أَغْرَاضٌ مُسْتَهْدَفَةٌ، تَرْمِيهِمْ بِسِهَامِهَا وَ تُفْنِيهِمْ بِحِمَامِهَا.^۲

«سرای است که بلاها از هر سو گردش را گرفته و به غدر و بیوفایی شهرت یافته .نه خود همواره بر یک حال باشد و نه ساکنانش در امان و سلامت به سر برند .حالاتش گونه گونه است و هر روز نوبت به یکی دهد. در آنجا شادمانی نکوهیده است و امن و آسودگی نتوان یافت. مردم دنیا در دنیا چون هدفهایی هستند که تیرها بر آنها می بارند. دنیا تیرهایش را بر مردمش می افکند و به مرگی که بر سرشان می فرستد، نابودشان می کند».

۳. دنیا و فراموشی مرگ

من أحب الدنيا ذهب اخره من قلبه^۳

«هرکس دنیا را دوست بدارد و ترس از آخرت از قلبش رخت بر می بندد».

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ [اِثْنَانِ] اِثْنَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ، فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ.^۴

^۱. شبیر، ۱۳۷۴، ص ۲۹۷ - ۲۹۸

^۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶

^۳. مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۸، ص ۳۱۵

^۴. نهج البلاغه، خطبه ۴۲

«ای مردم! ترس‌ناک‌ترین چیزی که از ابتلای شما به آن می‌ترسم، دو چیز است. پیروی از هوای نفس و آرزوی بی‌شمار. اما پیروی از هوای نفس، شخص را از راه حق باز می‌دارد و آرزوی بی‌حساب، آخرت را از یاد می‌برد».

جمله‌ی «دلم خواست کردم» از آن جمله‌هایی است که موجودیت آدمی را ویران می‌کند و ریشه‌ی اصول و قوانین مبتنی بر حق و حقیقت را به آتش می‌کشد. درهای بی‌درمان بشر که سرتاسر تاریخ ما را فرا گرفته است، میکروبی جز هواهای نفسانی ما ندارد. ریشه‌ی اصلی ستم و تجاوزها، هواپرستی است.^۱

برخی گفته‌اند: سبب درازی آرزو حب دنیا است؛ زیرا وقتی انسان با دنیا انس گرفت و به لذت‌های آن عادت کرد، جدایی و دوری از دنیا برایش سنگین است و دوام آن را دوست دارد. بنابراین به مرگ که جداکننده‌ی او از دنیا است، نمی‌اندیشد و از مرگ غافل می‌شود؛ زیرا وقتی انسان چیزی را دوست دارد، نمی‌خواهد آن را از دست بدهد. بدین ترتیب انسان خودش را برای مرگ آماده نمی‌کند تا اینکه ماه‌ها و سال‌ها می‌گذرد و پیر می‌شود. در پیری نیز سرگرمی‌ها و وابستگی‌های دنیایی، او را از توبه و ندامت باز می‌دارد تا اینکه مرگ او را در می‌یابد. این گونه است که انسان غافل بعد از مرگ به حسرت و ندامت دچار می‌شود و این، همان خسران مبین است.

تؤمل فی الدنيا طویلاً و لا تدری اذا جن لیلها تعیش الی فجر فکم من صحیح مات من غیر علّه و کم من مریض عاش دهر الی دهر^۲

^۱. فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۲۷۳ و ۲۹۱

^۲. شهیدی، ۱۳۷۶، ص ۳۵

«آرزوی دراز در دنیا دارد و نمی‌داند که هنگامی که سیاهی شب فرود آید تا صبح بیشتر در حیات نیست. چه بسیار انسان‌های تندرستی که بدون علت مردند و چه بسیار بیمارانی که روزگار درازی در این دنیا زیستند».

اگر کسی را در دنیا از مرگ ایمنی بودی آن کس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بود که از فرزندان آدم هیچ کس آن تقرب و منزلت نزد خدا نداشت، با این وصف فرمود: هیچ کس در جهان جاویدان نیست.

ای قوم! از این سرای حوادث گذر کنید. خیزید و سوی عالم علوی سفر کنید این سرای فانی است. نگرید تا دل در آن نبندید و آرامگاه نسازید. مسکین آدمی که پیوسته نظاره‌ی مرگ دیگران می‌کند و پندارد که همیشه ناظر مرگ دیگران است و خود نخواهد مرد^۱.

نتیجه

دنیا به معنای اعم آن، به خودی خود نه پسندیده است و نه ناپسند. اگر در امور مشروع و در راه جلب رضایت پروردگار بلند مرتبه به کار رود و وسیله کسب معنویات باشد، نیک، پسندیده و ممدوح و اگر در امور نامشروع و غیر معقول به کار رود و خود، هدف و منظور واقع شود، زشت، ناپسند و مذموم خواهد بود.

اگرچه انسان موجودی است که مقصد و جایگاه اصلی او آخرت و آن هم تقرب و لقاء الله است، و برای بقا آفریده شده و به تعبیر دیگر موجودی ابدی است و تاریخ انقضاء و نابودی ندارد. ولی تنگه و گذرگاه عبورش به آن جایگاه، همین دنیا است که به ناچار باید از آن عبور کرده و توشه لازم در آنجا را تهیه کرده و به همراه خود ببرد. نحوه زندگی اخروی هر کس باید در این دنیا شکل بگیرد و بهشت جهنم خود را به دست خود ساخته و به همراه ببرد. کسانی که اهل دل و فکر هستند و کمالات معنوی و وجودی را فراهم نموده‌اند از

^۱. مبینی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۳ - ۱۷۴

همین دنیا به دست آورده‌اند. اما نگاه آن‌ها به دنیا و برداشت آن‌ها از دنیا و چگونگی برخورد آن‌ها با دنیا رنگ و شکل خاص به خود را داشته است یکی از علل عمده نگاه منفی حضرت علی علیه‌السلام نسبت به دنیا ناشی از نگرش کسانی است که به اسم خلیفه مسلمانان در میان مردم مطرح بودند، و به تعبیر خود حضرت مانند شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری می‌افتد، آن‌ها به دنیا و اموال مسلمانان تاخته بودند. از این رو حضرت می‌خواهد این فضای فکری و عطش روحی و دل‌دادگی حاکم بر جامعه آن روز را بشکند یال کمرنگ‌تر کند. پایان سخن آنکه، دنیا جایگاه حقیقی و صدق است، برای آن کس که پند گیرد، و نیز منزل فریب است، نزد آن‌که مفتونش شود.

فهرست منابع و مآخذ

• نهج‌البلاغه

۱. امام خمینی، روح‌الله، اربعین حدیث، مؤسسه و تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ۴۶، تهران، ۱۳۸۷.
۲. بشر، عبدالله، اخلاق، محمدرضا جباران، چاپ نهم، ۱۳۷۴.
۳. بیضون، لیب، تصنیف نهج‌البلاغه، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۷۵.
۴. تمیمی آمدی، هاشم رسولی محلاتی، غرر الحکم و درر الکلم آمدی، چاپ ۱۲، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۵. حجازی، فخرالدین، شگفتی‌های نهج‌البلاغه، بعثت، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۴.
۶. خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج البراعه، ج ۵ و ج ۲۱، بنیاد فرهنگی امام مهدی عجل‌الله، چاپ چهارم، بی‌تا.
۷. شهیدی، جعفر، ترجمه‌ی نهج‌البلاغه، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۶.

۸. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، موسی همدانی، ج ۱۶، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳.
۹. عبدالباقی، محمدفواد، المعجم المفهوس، القاهرة، دارالکتاب مصر، ۱۳۶۴ ق.
۱۰. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. فروردین، عزیزه، دنیا سرای گذر، مرکز پژوهش اسلامی، قم، ۱۳۸۰.
۱۲. قرشی، علی اکبر، مفردات نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی قبله، تهران، ۱۳۷۷.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، سیدجواد مصطفوی، ج ۳، دفتر نشر و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۲.
۱۴. گروهی از فضلا و اساتید، موازنه اسلامی بین دنیا و آخرت، مؤسسه در راه حق، چاپ اول.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، ج ۷۸، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، مؤسسه چاپ منجر، چاپ سی و سوم، تهران، ۱۳۸۵.
۱۷. مولی کاشانی، فتح الله، شرح نهج البلاغه، پیام حق، تهران، ۱۳۷۸.
۱۸. میدی، احمد، تفسیر ادبی و عرفانی کشف الاسرار، ج ۲، چاپ دهم، اقبال، ۱۳۸۳.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امیرالمؤمنین، ج ۲، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱.